

۱۹۱۴؛ همان، [یاکو؟ ۱۹۲۲]: همان، چاپ حمید محمدزاده، باکو ۱۹۶۲، چاپ افست تهران [بی.تا.]: احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران ۱۳۶۳ ش؛ همو، در پیرامون ادبیات، چاپ عزیزالله علیزاده، تهران ۱۳۷۸ ش؛ جواد هیئت، آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش، تهران ۱۳۵۸-۱۳۶۹ ش؛

Nāzīm **Ākh undov**, *Āzarbāijān sātirā zhurnāllāri* (in Cyrillic), Baku 1968; Yavuz **Akpınar**, *Azeri edebiyatı araştırmaları*, İstanbul 1994; *Āzarbāijān Sāvet ensiklopediyası* (in Cyrillic), Baku 1976-1987; *Azərbaycan Xalq Cümhuriyyəti ensiklopediyası*, Baku: Lider Nəşriyyat, 2004-2005; Edward Granville **Browne**, *The press and poetry of modern Persia*, Los Angeles 1983; İsa **Həbibbəyli**, *Jalil Mammadquluzadə: mühiti və mü'əşirləri* (in Cyrillic), Baku 1997; idem, *XX əsrin əvvəlləri Azərbaycan yazıçıları*, Baku 2004; H. **Māhmüdbayli**, "Uzāq kechmişlərdən aski *kh* ātiralar", in *Şābir və mü'əşirləri* (in Cyrillic), ed. 'Abbās Zāmānov, Baku: Āzerneshr, 1973; Hāmida **Mammaquluzāda**, *Mirzā Jalil hāqqındā khātiralarim* (in Cyrillic), Baku 1981; 'Aziz **Mir Ahmadov**, "M. A. Şābir", in *Āzarbāijān adabiyātı tārīkhi* (in Cyrillic), vol. 2, ed. Şamad Vurqun, Mirzā İbrāhimov, and M. 'Arif Dādāshzāda, Baku: Āzarbāijān SSR 'Elmlar Ākādemiyaş Nashriyyātı, 1960; *Mirzə Ələkbər Sabir: 150, biblioqrafiya*, Baku: Azərbaycan Respublikası Mədəniyyət və Turizm Nazirliyi, 2012; Aləbbās **Müzənb**, "Şābirdən bir *kh*ātira", in *Şābir və mü'əşirləri*, ibid; 'Ali **Nāzīm**, "Şābir Tāhīrzāda", in *M. A. Şābir: maqālalar majmuası* (in Cyrillic), ed. A. Zamānov, R. İbrāhimovā, and Abulfaz İbād o *gh lu*, Baku: Āzarbāijān SSR 'Elmlar Ākādemiyaş Nashriyyātı, 1962; Ali Ekber **Sabir Tahirzade**, *Hophopnma*, Baku 2004; 'Aziz **Sharif**, "Şābir və Mollā Nəşrəddin", in *M.A. Şābir*, ibid; 'Abbās **Zamānov**, *Amal dostları* (in Cyrillic), Baku 1979; idem, *Şābirgölür* (in Cyrillic), Baku 1981.

/ رحیم رئیس نیا /

صابری فومنی، کیومرث، طنزپرداز، روزنامه‌نگار و شاعر معاصر ایرانی. در ۷ شهریور ۱۳۲۰، مقارن با تهاجم ارتش سرخ شوروی به شمال ایران، در شهر صومعه‌سرا به دنیا آمد (صابری فومنی، ۱۳۶۱ ش، ص ۹؛ همو، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۱۸). پدرش که کارمند وزارت دارایی و اهل رشت بود، پس از تولد کیومرث به فومن منتقل شد و چندماه بعد در همان شهر درگذشت (همو، ۱۳۸۴ ش الف، همانجا؛ اصغرپور، ص ۲۱). صابری، به گفته خودش (۱۳۷۲ ش، ص ۲۱۰)، در آن

زمان، یک‌سال‌ونیم داشت. کیومرث پس از گذراندن دوره ابتدایی، برای تأمین مخارج خانواده در یک دکان خیاطی مشغول به کار شد، اما به اصرار مادرش در مهر همان سال، ۱۳۳۲ ش، به دبیرستان رفت و پس از گذراندن دوره متوسطه اول، دوباره به دکان خیاطی



کیومرث صابری فومنی

بازگشت (همو، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۱۹؛ اصغرپور، ص ۲۲؛ قس صابری فومنی، ۱۳۷۲ ش، همانجا، مبنی بر اینکه دو بار در سیزده و شانزده‌سالگی مجبور به ترک تحصیل شد، که گویا منظورش از ترک تحصیل دوران اشتغال در مغازه خیاطی است). در ۱۳۳۶ ش، صابری در امتحان ورودی دانشسرای کشاورزی شهر ساری پذیرفته شد و پس از دو سال، از این دانشسرا دیپلم کشاورزی گرفت و معلم دبستانی در روستای کسما از توابع صومعه‌سرا شد (صابری فومنی، ۱۳۷۲ ش، ص ۲۱۰-۲۱۱؛ همو، ۱۳۸۴ ش الف؛ اصغرپور، همانجاها). در ۱۳۴۰ ش، متفرقه در رشته ادبی امتحان داد و دیپلم گرفت و در همین سال، در آزمون ورودی رشته سیاسی دانشکده حقوق تهران پذیرفته شد، اما به سبب تدریس در مدارس فومن، بیشتر اوقات در کلاسهای درس حاضر نبود (صابری فومنی، ۱۳۸۴ ش الف، همانجا؛ اصغرپور، ص ۲۳). در ۱۳۴۴ ش، پایان‌نامه خود را با عنوان «برداشتی از فرمان علی به مالک» ارائه داد و مدرک کارشناسی گرفت (اصغرپور، همانجا). این رساله محصول نخستین گرایشهای فکری صابری درباره حکومت اسلامی بود (ص صابری فومنی، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۲۵-۲۶). صابری در ۱۳۴۰ ش در حمله نیروهای امنیتی رژیم پهلوی به دانشگاه دستگیر شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفت و از ناحیه گردن آسیب دید؛ او شرح این واقعه را در شعری با امضای مستعار «گردن‌شکسته فومنی» نوشت و در همان سال به نشریه توفیق* فرستاد (همان، ص ۲۲؛ همو، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۲؛ اصغرپور، ص ۲۴-۲۵)؛ به این ترتیب ارتباط او با مجله توفیق آغاز شد و تا زمان تعطیل این مجله (۱۳۵۰ ش) ادامه یافت. صابری از ۱۳۴۵ ش با پیشنهاد و یاری حسین توفیق، سردبیر مجله توفیق، همکاری ثابت این مجله شد و در هر شماره، ستون طنز ثابتی با عنوان «هشت روز هفته» با امضاهای مستعاری نظیر میرزاگل، عبدالفانوس، و ریش سفید نوشت (صابری فومنی، ۱۳۸۴ ش الف، همانجا؛ اصغرپور، ص ۲۵). در ۱۳۵۳ ش، در رشته ادبیات تطبیقی دانشگاه تهران در

مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته و در ۱۳۵۷ ش از آن فارغ التحصیل شد (اصغریور، ص ۲۳). در اوایل دهه ۱۳۵۰ ش، در هنرستان صنعتی کارآموز تهران با محمدعلی رجایی* آشنا شد و این دوستی و همکاری تا زمان شهادت رجایی (۱۳۶۰ ش) ادامه داشت (صابری فومنی، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۲۶؛ اصغریور، ص ۲۶). صابری در دوران نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری رجایی مشاور فرهنگی او بود و در هنگام ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای در این مقام ابقا شد (اصغریور، همانجا). او از ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹ ش مسئولیت مجله رشد ادب فارسی وابسته به وزارت آموزش و پرورش را برعهده داشت (همانجا). از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ ش مشاور وزیر مسکن و شهرسازی، عضو هیئت مؤسس انجمن موسیقی، مدیرکل دفتر آموزش بازرگانی و حرفه‌ای آموزش و پرورش، مشاور افتخاری معاونت امور بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، عضو منتخب شورای عالی انقلاب فرهنگی در کارگروه نام‌گذاری، و عضو هیئت ایرانی در اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد بود (ابراهیم‌زاده گرجی، ص ۴۰). او در آذر ۱۳۶۲ از تمامی مشاغل سیاسی خود کناره گرفت (اصغریور، ص ۲۶). در ۱۳۶۳ ش، در سفر خود به حج در خیرنامه‌ای که روزانه برای زائران ایرانی منتشر می‌شد، ستون طنزی با عنوان «داستانهای جعفرآقا برای حجاج» می‌نوشت (صابری فومنی، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۳۳). پس از بازگشت از حج، در ۲۳ دی ۱۳۶۳، شروع به نوشتن ستون ثابتی با عنوان «دو کلمه حرف حساب» کرد، که در صفحه ۳ روزنامه اطلاعات با امضای مستعار «گل‌آقا» منتشر می‌شد (صابری فومنی، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۲۷، ۳۳-۳۴؛ اصغریور، ص ۲۷) و تا ۱۳۷۲ ش به این کار ادامه داد و پس از وقفه‌ای چندساله، در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۷۶ ش، بار دیگر نوشتن آن را در روزنامه اطلاعات از سر گرفت (اصغریور، ص ۳۰). صابری در اول آبان ۱۳۶۹ نخستین شماره هفته‌نامه طنز گل‌آقا را منتشر کرد که با استقبال عموم مردم مواجه شد. در مرداد ۱۳۷۰، ماهنامه گل‌آقا، در اسفند همان سال، سالنامه گل‌آقا، و در فروردین ۱۳۷۸ هفته‌نامه بچه‌های گل‌آقا را منتشر کرد و مؤسسه گل‌آقا را خانه طنز ایران نامید. در ۱۳۷۷ ش، سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت، به او لقب «گل‌آقای ملت ایران» داد. صابری در آبان ۱۳۸۱، هم‌زمان با آغاز سیزدهمین سال انتشار هفته‌نامه گل‌آقا و پس از انتشار ۵۶۴ شماره، انتشار این هفته‌نامه را متوقف کرد (همان، ص ۲۹، ۳۱؛ احترامی، ص ۶۵)؛ گروهی علت این کار را مشکلات مالی دانسته‌اند (ص صفرزاده، ص ۱۸۲-۱۸۳). سرانجام کیومرث صابری در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳، بر اثر بیماری سرطان خون درگذشت و در قطعه هنرمندان بهشت‌زهرا به خاک سپرده شد (اصغریور، ص ۳۱).

کیومرث صابری در راه‌اندازی نشریه گل‌آقا، از افراد باسابقه‌ای نظیر ابوالقاسم حالت*، پرویز شاپور، عمران صلاحی، و سعید عربانی، که پیش از این در مجله توفیق فعالیت می‌کردند، بهره برد و نشریه گل‌آقا را بر بقایای مجله توفیق برپا کرد (قاضی‌زاده، ص ۳۶-۳۷؛ برای تفصیل درباره شباهت و تفاوت میان این دو نشریه - صابری فومنی، ۱۳۷۲ ش، ص ۲۱۲، ۲۲۶؛ همو، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۵۴-۵۵). خود او نیز در سرمقاله نخستین شماره هفته‌نامه گل‌آقا (۱۳۶۹ ش الف، ص ۳)، این مجله را حاصل کار جماعتی از طنزنویسان و کاریکاتوریستهای ایران دانست. گل‌آقا هفته‌نامه طنز سیاسی بود که زیر نظر صابری با زبانی پاکیزه و به دور از تندروی، از اوضاع اجتماعی و سیاسی و فرهنگی انتقاد می‌کرد (نبوی، ص ۴۸؛ ایران‌زاده و زارع بننادکوکي، ص ۲۲). این نشریه را افراد سرشناسی نظیر محمدجعفر محجوب* و محمدعلی جمالزاده* تحسین کردند (ص اصغریور، ص ۲۸، ۳۰؛ صابری فومنی، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۲۷، ۷۵). جمالزاده گل‌آقا را بخشی از تاریخ سیاسی ایران و خود صابری آن را جدی‌ترین مجله سیاسی کشور می‌دانست (ص صابری فومنی، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۶۶-۶۷) و ابراهیم نبوی، طنزپرداز معاصر (ص ۴۶)، نوشته‌های او را میزانی برای سنجش اوضاع اجتماعی پس از انقلاب در ایران به‌شمار می‌آورد. صابری ستون «دو کلمه حرف حساب» را به‌عنوان سرمقاله در هفته‌نامه گل‌آقا تا پایان انتشار این هفته‌نامه می‌نوشت (ضیایی، ص ۴۱). او نوشته‌های خود را در گل‌آقا با امضاهایی نظیر گل‌آقا، شاغلام، مش‌رجب، ریش‌سفید، و لوده منتشر می‌کرد (موسوی گرمارودی، ص ۹۶؛ ابراهیم‌زاده گرجی، ص ۴۲). صابری در نشریه گل‌آقا طنزنویسان و کاریکاتوریستهای جوانی نیز پرورش داد (ص صابری، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۷۰-۷۱؛ قاضی‌زاده، ص ۳۷؛ صفرزاده، ص ۱۸۴) و زمینه ظهور طنز جدید پس از انقلاب را در زبان فارسی مهیا کرد.

کیومرث صابری سبک و شیوه‌ای خاص در نوشتار داشت؛

زرویی نصرآباد (ص ۱۰۱-۱۰۲) سبک او را متأثر از دهخدا* در چرندپرند و صادق هدایت* در وغوغ ساهاب و توپ مرواری دانسته‌است (قس موسوی گرمارودی، ص ۸۹-۹۰، که این تأثر را نمی‌پذیرد و سبک گل‌آقا را منحصر به فرد می‌داند). خود صابری (۱۳۷۲ ش، ص ۲۱۲) نیز دهخدا را نخستین آموزگار خود در عرصه طنز دانسته‌است (برای اطلاع بیشتر از تشابه و تفاوت‌های میان سبک دهخدا و صابری - زرویی نصرآباد، ص ۱۰۱). از ویژگیهای عمده سبک صابری چنین است: درست‌نویسی و پرهیز از اشتباهات نگارشی و دستوری، رعایت قواعد زبان مردم کوچه و بازار ضمن پرهیز از عامیانه‌نویسی، استفاده از ابیات عربی مغلوپ و خودساخته، دست‌کاری اشعار

معروف فارسی و استفاده از ابیات فارسی خودساخته، و رعایت سیر داستانی مطالب (همان، ص ۱۰۳-۱۱۰؛ ایرانزاده و زارع بنادکوکلی، ص ۱۹-۳۶؛ نبوی، ص ۵۰-۵۴). صابری در خلق آثار طنز خود از قالبهای بیانی مختلفی بهره می‌گرفت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: نثر ساده گل‌آقایی که آمیزه‌ای از ساختار زبان عامیانه، اشارات و آرایه‌های ادبی و غلط‌نویسی تعددی بود (زرویی نصرآباد، ص ۱۱۱؛ برای نمونه این نوع نثر ← صابری فومنی، ۱۳۶۹-۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۰، ۳۰۱-۳۰۰، ج ۳، ص ۳۷۵-۳۷۶)، نثر قدیم (زرویی نصرآباد، ص ۱۱۷؛ برای نمونه این نوع نثر ← صابری فومنی، ۱۳۶۹-۱۳۷۷ ش، ج ۲، ص ۱۴۲-۱۴۳)، قالبهای منظوم (زرویی نصرآباد، ص ۱۱۷-۱۲۱؛ برای نمونه ← صابری فومنی، ۱۳۶۹-۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۱۶۱-۱۶۳، ۱۴۶-۱۴۸، ج ۲، ص ۲۲-۲۳)، و نثر ترجمه (زرویی نصرآباد، ص ۱۲۱؛ برای نمونه ← صابری فومنی، ۱۳۶۹-۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۱۸۸، ج ۲، ص ۲۰-۲۱، ج ۳، ص ۴۸). از دیگر ویژگیهای نگارشی صابری خلق شخصیهایی داستانی است که هرکدام نماینده قشر و صنف خاصی از مردم هستند (زرویی نصرآباد، ص ۱۲۲؛ ضیایی، ص ۴۲).

آثار. ۱) برداشتنی از فرمان علی به مالک پایان‌نامه دوره کارشناسی اوست و آن را در ۱۳۴۳-۱۳۴۴ ش نوشت و در ۱۳۵۷ ش به پیشنهاد محمدعلی رجایی در تهران منتشر کرد (صابری فومنی، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۲۶)؛ ۲) «تحلیل داستان ضحاک و کاوه آهنگر»، که در ۱۳۵۹-۱۳۶۰ ش در روزنامه کیهان چاپ شد؛ ۳) دیدار از شوروی گزارش سفر صابری در مهر ۱۳۶۰ به همراه هیئتی به شوروی است که در ۱۳۶۱ ش در تهران منتشر شد؛ ۴) مکاتبات شهید رجایی با بنی‌صدر (تهران ۱۳۶۰ ش)؛ ۵) نخستین استیضاح در جمهوری اسلامی (تهران ۱۳۶۱ ش)؛ ۶) گزیده دو کلمه حرف حساب گزیده ستونهای طنزی به همین نام در روزنامه اطلاعات و سپس در هفته‌نامه گل‌آقا، در چهار مجلد است (تهران ۱۳۶۹-۱۳۷۷ ش)؛ ۷) اشعار، صابری به جد و طنز شعر می‌سرود؛ برخی از اشعار طنزش نظیر «گل‌آقا» (همو، ۱۳۶۹-۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۳۴۴-۳۴۵)، «بوش و موش» (همان، ج ۱، ص ۳۶-۳۷)، و «مثنوی معنوی» (همان، ج ۱، ص ۱۲۳-۱۲۴) به گفته نبوی (ص ۵۱-۵۲) از آثار خوب طنز فارسی به‌شمار می‌آیند. صابری نخستین شعر جدی خود را در یکی از سالهای بین ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ ش با نام مستعار «یتیم» در مجله امید ایران چاپ کرد (صابری فومنی، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۲۰). به گفته خودش (۱۳۷۲ ش، ص ۲۱۴)،

برخی از اشعارش در مجله‌های سپیدوسپاه، فردوسی، و سخن چاپ شده‌است. منظومه یا نثرالله از اشعار جدی اوست (همو، ۱۳۸۴ ش ب، ص ۱۹۳-۲۰۱)؛ ۸) «تحلیل منظومه مانلی» (منظومه مانلی و ارتباط آن با قصه اوراشیما تارو^۱) عنوان مقاله‌ای است که در مجله نگین (ش ۱۴۶، تیر ۱۳۵۶، ص ۲۳-۲۶، ش ۱۴۷، مرداد ۱۳۵۶، ص ۴۱-۴۵) چاپ شده‌است (همچنین برای مشاهده فهرستی از آثار صابری ← «نمایه موضوعی گل‌آقا در مطبوعات»، ص ۲۶۳-۲۶۵).

منابع: رمضان ابراهیم‌زاده گرجی، «با یاد گل‌آقا در آبدارخانه شاعلام: حرف حق می‌زند با دوتا دندان لق»، کیهان فرهنگی، ش ۲۱۱ (اردیبهشت ۱۳۸۳)؛ منوچهر احترامی، «دهخدا، صابری و طنز سیاسی در ایران»، در زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم کیومرث صابری فومنی (گل‌آقا)، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴ ش؛ ریسا اصغرپور، «زندگی‌نامه گل‌آقای ملت ایران»، در همان؛ نعمت‌الله ایرانزاده و نجمه زارع بنادکوکلی، «سبک کنایی دوکلمه حرف حساب کیومرث صابری فومنی»، ادبیات پارسی معاصر، سال ۴، ش ۱ (بهار ۱۳۹۳)؛ ابوالفضل زرویی نصرآباد، «مقدمه‌ای بر سبک‌شناسی دو کلمه حرف حساب»، سالنامه گل‌آقا، سال ۵ (۱۳۷۴ ش)؛ کیومرث صابری فومنی، «دو کلمه حرف حساب»، گل‌آقا، سال ۱، ش ۱ (آبان ۱۳۶۹)؛ همو، دیدار از شوروی، تهران ۱۳۶۱ ش؛ همو، گزیده دو کلمه حرف حساب، تهران ۱۳۶۹-۱۳۷۷ ش؛ همو، «گفتگو با کیومرث صابری»، کلک، ش ۴۶-۴۵ (آذر و دی ۱۳۷۲)؛ همو، «گل‌آقا از زبان گل‌آقا»، در یادنامه کیومرث صابری فومنی (گل‌آقا)، تهران: دفتر طنز حوزه هنری، ۱۳۸۴ ش الف؛ همو، یا نثرالله، در زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم کیومرث صابری فومنی، همان، ۱۳۸۴ ش ب؛ گیتی صفزاده، «گل‌آقا در نگاه تاریخ»، بنخارا، ش ۲۶ (مهر - آبان ۱۳۸۱)؛ محمدرفع ضیایی، «مدار واژه‌های دو کلمه حرف حساب»، در زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم کیومرث صابری فومنی، همان؛ علی‌اکبر قاضی‌زاده، «صابری معنای طنز بود»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ش ۷۳ (بهار ۱۳۸۴)؛ علی موسوی گومارودی، «گل‌آقا و عبید زاکانی»، در زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم کیومرث صابری فومنی، همان؛ ابراهیم نبوی، «نگاهی به گل‌آقا، دو کلمه حرف حساب»، ارغوان، سال ۱، ش ۲ (دی ۱۳۶۹)؛ «نمایه موضوعی گل‌آقا در مطبوعات»، در یادنامه کیومرث صابری فومنی، همان.

/ خدایار صائب /

صابون، رایج‌ترین ماده شوینده که از ترکیب ماده‌ای روغنی با ماده‌ای قلیایی به‌دست می‌آید. صابون از الفاظ دخیل در عربی است (ابوهلال عسکری، ص ۴۲۴). در ادبیات